

سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در ایران

دکتر میرطاهر موسوی^۱

شهریور ۱۳۸۷

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

اشاره: در این مقاله ابتدا به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته و سپس برخی از نتایج پژوهش انجام‌شده با موضوع سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در قالب جداول آورده می‌شود.

مباحث مقدماتی:

در نگاه کلی با چهار نوع سرمایه در جامعه روبرو هستیم، که هر کدام جایگاه و تأثیر خاص خود را دارند: سرمایه‌ی مادی، سرمایه‌ی طبیعی یا فیزیکی، سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی. بعضی از این مفاهیم در ذهن بشری مسبوق به سابقه بوده، برخی دیگر مفاهیم جدیدی هستند که اگر چه به لحاظ عملی در بطن جامعه وجود داشته‌اند، از حیث نظری به‌طور مستقیم کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. از جمله‌ی این موارد، سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی است که شاید بیشترین توجه و تمرکز بر این مفاهیم از ۱۹۱۶ به اینطرف صورت گرفته است.

عنوان سرمایه‌ی اجتماعی اولین بار در سال ۱۹۱۶ توسط هانی فن معرفی و بیشتر در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و پس از آن در حوزه‌ی اقتصاد طرح شد. در کل حدود ۳۰ تا ۴۰ سال است که سرمایه‌ی اجتماعی به دغدغه‌ی حوزه‌های مختلف تبدیل شده است، به‌طوری‌که در ۲۰ سال گذشته بیشترین حجم تولید ادبیات را نسبت به گذشته به خود اختصاص داده است. در پاسخ به این پرسش که چرا سرمایه‌ی اجتماعی در دو یا سه دهه‌ی اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، باید به دو نکته اشاره کرد: ۱- گسست‌ها و شکاف‌هایی که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم در جوامع مختلف به‌وجود آمد و به دنبال آن تمایل علم جامعه‌شناسی برای پاسخ به این گسست‌ها، ۲- تأثیر چشم‌گیر سرمایه‌ی اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و نقش آفرینش آن در فضای کوچکتر شدن دولت‌ها و گسترش حوزه عمومی و جامعه مدنی در جوامع.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم سرمایه‌ی اجتماعی که آن را از دیگر سرمایه‌ها متمایز می‌کند، آن است که به نظر می‌رسد در بحث تبدیل سرمایه‌ها به یکدیگر، سرمایه‌ی اجتماعی نقش محوری بر عهده دارد و از این حیث سرمایه‌ی اجتماعی ارزش مضاعف دارد. در قالب یک مثال می‌توان گفت اگر در جامعه‌ای سرمایه‌ی اجتماعی بالا نباشد - البته اگر مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را به مفهوم اعتماد اجتماعی نزدیک‌تر در نظر بگیریم - امکان ندارد شاهد شکوفایی سرمایه‌ی انسانی باشیم، چرا که پیدایش و رشد سرمایه‌ی انسانی در سایه‌ی اعتماد اجتماعی اتفاق می‌افتد که همان سرمایه‌ی اجتماعی است. بنابراین یافته‌ی مهم جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و پژوهشگران در این حوزه به این واقعیت برمی‌گردد که سرمایه‌ی اجتماعی در تبدیل انواع سرمایه‌ها به یکدیگر نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند.

در حال حاضر در بسیاری از کشورها به‌طور فراوان از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در قالب ابزارهای برنامه‌ریزی، در سطوح کلان، میانی و خرد استفاده می‌شود. حتی در برخی کشورها در حل مسائل و معضلات محیط زیست، ترافیک و حمل و نقل هم از مفهوم سرمایه و اعتماد اجتماعی استفاده می‌شود.

تعریف کلی و اجمالی از سرمایه‌ی اجتماعی، تعریفی است که پی‌یر بوردیو ارائه می‌کند: "پیوند بین افراد در ارتباطات اجتماعی سرمایه‌ی اجتماعی نام دارد" یا "منابع و منافع که در اثر عضویت فرد در شبکه‌ها و روابط اجتماعی حاصل می‌شود، سرمایه‌ی اجتماعی نام دارد". به عبارت دیگر سود حاصل از رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد میان افراد جامعه، سرمایه‌ی اجتماعی نام گرفته است.

اگرچه مفهوم نظری این سرمایه از سال ۱۹۱۶ ارائه شده است، اما سرمایه‌ی اجتماعی در متن و بطن ادبیات انسانی از گذشته‌های بسیار دور به مقادیر مختلف وجود داشته است. این موضوع هم در متون تاریخی و اجتماعی جامعه‌ی بشری قابل ملاحظه است – اگرچه تنها دربرگیرنده‌ی مفهوم بوده، ذکر آن از سرمایه‌ی اجتماعی در میان نیست – و هم در ادیان، به‌خصوص در دین اسلام روی سرمایه‌ی اجتماعی بسیار تأکید شده و شاخص‌ها و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

در متون اسلامی مانند قرآن و احادیث تأکید زیادی بر این مؤلفه‌ها وجود دارد، تا جایی که در قرآن آمده است "یدالله مع الجماعه" که نشان از تأکید بر همبستگی اجتماعی است. در دیگر متون نیز ابن‌خلدون و فارابی اشارات مستقیمی به این موضوع داشته‌اند. جامعه‌شناسان کلاسیک نیز بدون اشاره به نام سرمایه‌ی اجتماعی در خصوص این موضوع به ارائه‌ی نظر پرداخته‌اند، برای مثال دورکیم در قالب همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و شرح جامعه‌ی ارگانیکی، عملاً به سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه می‌پردازد. در دیدگاه‌های مارکسیستی انواع بیگانگی که مورد اشاره‌ی مارکس است، به نوعی به فقدان سرمایه‌ی اجتماعی اشاره دارد. پس سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی قدیمی است و در ادبیات مدرن به صورت بازسازی‌شده، در شاخص‌های مدون و مشخص ارائه شده است.

از جمله مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط انجمنی و مشارکت‌آمیز، همبستگی و انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد (فردی، گروهی و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها) است که اگر چه به‌طور ۱۰۰ درصد مورد توافق پژوهشگران و جامعه‌شناسان نیست، ولی به‌طور عمومی مورد وفاق آنهاست.

ویژگی دیگری که در جوامع امروزی – در کنار پاسخ به گسست‌ها و آسیب‌های اجتماعی به خصوص پس از جنگ جهانی دوم – به تأکید بیشتر بر مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی کمک کرد، این است که سرمایه‌ی اجتماعی یک پاسخ سازنده و مثبت به کوچک‌شدن دولت‌هاست؛ در ۵۰ سال گذشته شاهد بوده‌ایم که

دولت‌ها به تدریج به لحاظ تصدی‌گری و دخالت در امور، محدودتر شده‌اند و در این روند رو به کاهش، مفهوم، مؤلفه‌ها و مفاهیم عملیاتی سرمایه‌ی اجتماعی، فاصله‌ی ایجاد شده در اثر کاهش تصدی‌گری دولت را پر می‌کند. به عبارت دیگر در حالی که عرصه و حوزه‌ی عمومی مرتباً بزرگ می‌شود، حوزه‌ی تصدی‌گری دولتی کوچک‌تر می‌شود و سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند این فاصله را فعال نماید.

در پرداختن به مسأله سرمایه‌ی اجتماعی بی‌مناسبت نیست به این پرسش هم پاسخ داده شود که جهانی‌شدن یا به تعبیر منتقدین، جهانی‌سازی عامل ارتقادهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است، یا عامل تخریب آن؟ و به عبارت دیگر جهانی‌شدن برای سرمایه‌ی اجتماعی فرصت است یا تهدید؟

در پاسخ باید گفت برخی از اندیشمندان، جهانی‌شدن را تهدیدی برای سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند و برخی نیز آن را فرصت بسیار مناسبی برای سرمایه‌ی اجتماعی تلقی می‌کنند. از یک منظر منصفانه می‌توان این‌طور گفت که سرمایه‌ی اجتماعی و جهانی‌شدن با یکدیگر یک تعامل او سوبه دارند و اگرچه جهانی‌شدن در بخش‌هایی می‌تواند موجب تخریب سرمایه‌ی اجتماعی شود، اما در بخش‌هایی هم باعث تقویت و رشد آن خواهد شد. به‌طور مثال در حوزه‌ی اقتصاد، در نظریه‌ی نظام جهانی مانوئل والر اشتاین، قطبی‌شدن نظام اقتصاد جهانی که حاصل آن به‌وجود آمدن جوامع مرکزی و پیرامونی است، مطرح می‌شود. طبیعی است که در این نظام، میزان سرمایه‌ی اجتماعی در کشورهای پیرامونی رو به کاهش می‌گذارد. از این دیدگاه شبه سوسیالیستی، سرمایه‌ی اجتماعی کلان، در اثر جهانی‌شدن تبدیل به تهدید خواهد شد. اما در عین حال بخشی از اندیشمندان هم به صورت جدی بر این باورند که موضوع تعاملات اجتماعی، فرهنگی و قومی در فرایند جهانی‌شدن می‌تواند عامل تقویت هر چه بیشتر سرمایه‌ی اجتماعی باشد.

نکته‌ای که در تحلیل رابطه‌ی جهانی‌شدن و سرمایه‌ی اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی است: سرمایه‌ی اجتماعی سنتی (خرد) و مدرن (کلان). سرمایه‌ی اجتماعی سنتی یا خرد، دایر بر روابط درون‌گروهی است که در آن، حوزه‌ی تعاملات اجتماعی به درون یک گروه اجتماعی محدود برمی‌گردد، که در ایران می‌تواند به دایره ارتباطات گروهی، قومی، قبیله‌ای و خرده فرهنگ‌ها تعبیر شود. اما سرمایه‌ی اجتماعی مدرن و کلان به یک روابط انجمنی و مشارکت نهادمند متکی است که فراتر از یک گروه اتفاق می‌افتد. بنابراین در دسته‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به دو گونه‌ی ذکر شده، می‌توان دسته‌بندی جدیدی از سطوح سرمایه‌ی اجتماعی را تحت عنوان سرمایه‌ی اجتماعی آوندی^۱، سرمایه‌ی اجتماعی همآوندی^۲ و سرمایه‌ی اجتماعی پیوندی^۳ ارائه کرد. در سرمایه‌ی اجتماعی آوندی با یک سرمایه‌ی

¹ bridying

² banding

³ linking

اجتماعی کاملاً درون‌گروهی و در سرمایه‌های اجتماعی هم‌آوندی و پیوندی با سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی و فراگروهی روبرو هستیم که می‌توانند سازه‌های مهمی برای تحلیل رابطه جهانی‌شدن و سرمایه‌ی اجتماعی باشند.

تأثیر ناشی از ترکیب جمعیتی جوامع به دو شکل می‌تواند در سرمایه‌ی اجتماعی تأثیرگذار باشد؛ یک شکل آن تأثیر در نوع ترکیب سرمایه‌ی اجتماعی (سنتی یا مدرن) جامعه است. جامعه‌ی جوان طبیعتاً با مطالبات، خواسته‌ها خاص سروکار دارد که قطعاً وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. آن چنان‌که پژوهش ما نشان می‌دهد میزان سرمایه‌ی اجتماعی در میان جوانان کشور پایین است، به عبارت دیگر افراد ۵۰-۳۰ ساله، سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری دارند و افراد زیر ۲۸ سال، سرمایه‌ی اجتماعی کمتری را نشان می‌دهند، که این امر ضرورت تلاش بیشتر در جهت افزایش همبستگی و توجه به روابط مبتنی بر اعتماد را گوشزد می‌کند.

در جوامع چندفرهنگی و چندقومی، مثل جامعه‌ی ایران، با گونه‌های متفاوت و گاه متعارضی از سرمایه‌های اجتماعی روبرو می‌شویم. در این جوامع اگر پیوند بین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی، قوی باشد، با منسجم‌ترین شکل سرمایه‌ی اجتماعی روبرو هستیم، در حالی که ضعیف بودن این پیوند بسیار مخاطره‌آمیز است. در این حالت سرمایه‌ی اجتماعی و پیوند اعضا در درون گروه قومی و فرهنگی بسیار قوی است، ولی خارج از آن قومیت و در سطح ملی شاهد تعامل ضعیف هستیم، که این امر به جای همگرایی، واگرایی اجتماعی و تبعات بسیار خطرناک آن را در پی دارد و به‌طور حتم در مسائل سیاسی هم بازتاب‌هایی به جا خواهد گذاشت. به عبارت دیگر هر چه سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به‌طور غیرمتعارف قوی باشد، شاهد تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی خواهیم بود. جامعه‌ی متعادل، جامعه‌ای است که در آن میان سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی تعادل و تعامل وجود داشته باشد. نتایج پژوهش انجام شده نشان می‌دهد که در این زمینه احتیاج به کار و فعالیت بیشتری داریم.

بنابراین با در نظر گرفتن انواع سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان گفت، جوامع چندفرهنگی باید برای ایجاد تعادل در سرمایه‌ی اجتماعی درون و برون‌گروهی در جامعه و توافق و تعامل آنها در منافع مشترک، توجه زیادی داشته باشند. چرا که در این مواقع سرمایه‌ی اجتماعی، نقش بسیار کلیدی در تعادل اجتماعی ایفا می‌کند.

غامض و سیال بودن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و پیچیده بودن ساخت ابزار معتبر برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی نکته حائز اهمیت است. میان فهم نظری و روش‌های اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی

شکاف وجود دارد و این موضوع در ایران که یک جامعه‌ی چندفرهنگی و چندصدایی است، به‌طور جدی تر خود را نشان می‌دهد.

سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند در قالب اعتماد اجتماعی به عنوان یک موضوع محوری ایفای نقش داشته باشد. چرا که اعتماد اجتماعی یکی از اصلی‌ترین شاخص‌ها و سازه‌های سرمایه‌ی اجتماعی است، به طوری که در بسیاری از موارد، این سرمایه معادل و به مثابه‌ی اعتماد عمومی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که خیلی هم گزافه نیست.

اگر در جامعه‌ای، سرمایه‌ی اجتماعی در مفهوم عملیاتی اعتماد محقق شود، تسهیل‌گری‌های بسیار گسترده‌ای را شاهد خواهیم بود که این امر توسعه‌ی پایدار و فراگیر را برای آن جامعه به ارمغان می‌آورد. این موضوع یکی از نقاط قوت تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی است.

معتقدیم که سرمایه‌ی اجتماعی در بازار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش کلیدی و تسهیل‌گرانه دارد، به طور مثال اگر در حوزه‌ی اقتصاد روابط مبتنی بر اعتماد حاکم باشد، گردش اطلاعات صحیح باشد و... به سرعت اقتصاد کشور شکوفا شده، سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر خود را در بطن اقتصاد نشان خواهد داد. اعتماد و اطلاع‌رسانی صحیح، ضریب ریسک در بازار سرمایه‌گذاری را پایین می‌آورد، ضریب امنیت را بالا می‌برد، توجه سرمایه‌گذار را جلب می‌کند و در یک کلام، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند در قالب اعتماد، در بازار اقتصاد به صورت تسهیل‌گر عمل کرده، در فرایند توسعه‌ی اقتصادی کشور کمک نماید.

در حوزه‌ی فرهنگی نیز، مخصوصاً در کشورهایی که خرده‌فرهنگ‌های زیادی دارند، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، مشارکت و همبستگی می‌تواند زمینه‌ی همگرایی خرده‌فرهنگ‌ها را فراهم کرده، جامعه را به جای واگرایی به سوی یک تعادل شکوفا سوق دهد.

در حوزه‌ی اجتماعی نیز افزایش اعتماد در روابط اجتماعی به کارایی و سازندگی بیشتر منجر می‌شود. اگر در یک کشور اعتماد برقرار باشد، NGOها شکل می‌گیرند و روابط انجمنی شبکه‌ای تشکیل می‌شود، حوزه عمومی گسترش می‌یابد و تصدی‌گری‌های غیرمرتبط با دولت را _ که در دست دولت قرار دارد _ تحت اداره و مسئولیت خود می‌گیرد. دولت‌ها و حاکمیت‌ها همیشه با یک نگاه منفی و تهدیدکننده به تصدی‌گری‌های عمومی نگریسته‌اند، غافل از این که بیشترین خدمت به حاکمیت‌ها و دولت‌ها این است که تا جایی که امکان دارد، تصدی‌گری توسط خود مردم انجام گیرد. تصدی‌گری در حوزه‌های حاکمیتی (مانند سیاست خارجی، امنیت، دفاع و سیاست‌های کلی کشور) باید در دست خود حاکمیت و دولت باشد، اما گردش اقتصادی، نظام توزیع کالا، تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای، عمران در مناطق، ساخت مدارس و فرهنگ‌سراها و تصمیم‌های عمرانی یک بخش، روستا یا شهر، و بسیاری از امور مشابه اگر در قالب‌های محلی

و در روش‌های اجتماع‌محور و توسط نهادهای مردم‌نهاد انجام شود، بیشترین کمک به دولت شده است. اگر دولت‌مردان ما هوشمند باشند، به این نکته توجه می‌کنند که بخش عمده‌ای از نارضایتی‌های عمومی و مخالفت‌های سیاسی با هر حاکمیتی، در هر جامعه‌ای و در هر دوره‌ی تاریخی، در اعتراض به مواردی است که دولت نباید تصدی آن را بر عهده می‌گرفته است، بنابراین اگر تصدی آنها به خود مردم واگذار شود، منبع و منشأ اعتراض نیز از بین می‌رود. اشکال در اینجاست که دولت می‌خواهد از صفر تا ۱۰۰ همه‌ی امور را تصدی‌گری کند، بنابراین در همه‌ی امور دخالت می‌کند و مردم را کنار می‌گذارد. بنابراین طبیعی است که مردم بر سر هر چیزی ولو کاهش مواد غذایی و میوه و چیزهایی نظیر این، بر سر دولت فریاد خواهند کشید.

دولت باید تصدی‌گری‌ها را به مردم واگذار کند و من به عنوان یک جامعه‌شناس معتقدم که این حوزه‌های تصدی‌گری از اول متعلق به مردم بوده و دولت حوزه‌ی عمومی را به غلط به اشغال خود درآورده است. این روند اشغال حوزه‌ی عمومی بیشترین لطمه را در مرحله اول به خود حاکمیت و دولت وارد کرده است. اگر دولت درصدد باشد برای برقراری تعادل اجتماعی، رویه‌ی متعادلی را در پیش گیرد، از مؤثرترین اقدامات واگذاری مدیریت امور مردم، به خود مردم خواهد بود. چه کسی گفته است وزیر آموزش و پرورش یا کارشناس این وزارت‌خانه بهتر از مردم زابل و زاهدان تشخیص می‌دهد که آنجا مدرسه نیاز دارد یا نه؟ مدرسه باید دخترانه باشد یا پسرانه؟ و... چه اشکال دارد که تصمیم‌گیری در این مورد و دیگر موارد مشابه در یک نظام شورایی ارگانیک توسط خود مردم منطقه زابل و زاهدان انجام شود، به عبارت دیگر باید اولویت‌ها در قالب و چارچوب سیاست‌های کلان کشور، توسط خود مردم بومی و محلی اتخاذ شود. از این رو در بازار تعامل اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند یک توسعه‌ی پایدار و منطقی و در عین حال کار ساز را به وجود آورد، که از قضا بیشترین خدمت را به خود حاکمیت خواهد داشت.

در یک کلام، جمع بندی این بحث‌ها این است که حجم سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه‌ی اجتماعی منجر به ظهور اعتماد، حفظ نظم، کاهش واگرایی‌ها، تقلیل آسیب‌ها و تبدیل بزهکاران به شهروندان مطلوب خواهد شد. این موارد، جزء ایده‌آل‌های جوامع بشری هستند که همواره برای تأمین آن‌ها تلاش شده است. از این فرصت باید برای انتقاد از نوع تفکر برخی از اندیشمندان و متصدیان امور استفاده کرد که نسبت به مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی برداشت سیاسی و غیرمثبت دارند و آن را با نظام سلطه یا تولید ادبیات استعماری در رابطه می‌دانند. اما همان‌طور که گفته شد اگر نام سرمایه‌ی اجتماعی در ادبیات گذشته ما نبوده، رسم آن در دین، رسوم اجتماعی و عقاید اندیشمندان ما وجود داشته است. به اندازه‌ی عمر بشری و پس از دوران غارنشینی، مفهوم و تجربه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی همراه انسان بوده است، لذا اگر ادبیات سرمایه‌ی اجتماعی تحت عنوان مشخص و به‌صورت منسجم، در یک کشور یا جامعه خاص مطرح می‌شود،

بلافاصله نباید به سمت انگ‌زدن به آن پیش رفت و آن را استعماری و سلطه‌طلبانه دانست. سرمایه‌ی اجتماعی در بطن جوامع بوده و هست، چه بپذیریم، چه نپذیریم!

مانند دیگر مفاهیم اجتماعی و انسانی می‌توان از سرمایه‌ی اجتماعی، استنباط و استفاده مثبت یا منفی داشت که این به نوع جوامع و طرز برخورد با این مسأله بستگی دارد. مدیریت جامعه برای اداره‌ی جامعه نیاز به اعتماد دارد یا نه؟ به عبارت دیگر اگر مردم به حاکمیت و مسئولان به مردم اعتماد متقابل نداشته باشند، آیا امکان پیشرفت در آن جامعه وجود دارد یا نه؟ مسلماً نه.

یکی از گرفتاری‌های موجود در بروز و کنترل آسیب‌های اجتماعی در جامعه، این است که هنوز به خوبی از ابزاری به نام مردم در جهت کنترل آسیب‌ها استفاده نشده و مردم نقش بسیار کمتری از آنچه که باید بر عهده داشته باشند، برعهده دارند. در حل این معضلات بیشتر سعی می‌شود با موضع دولتی و حکومتی برخورد شود و مادامی که نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و دستگاه‌های مختلف بخواهند رأساً مسائل اجتماعی را مدیریت و آسیب‌ها را کنترل کنند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، بدون هیچ‌گونه پیشرفتی همین وضعیت موجود را حفظ خواهیم کرد و در حالت واقع‌بینانه‌تر این آسیب‌ها تشدید خواهند شد. مشارکت مردم در کنترل آسیب‌های اجتماعی نقش ویژه‌ای دارد، بنابراین به هر میزانی که شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه عملیاتی‌تر شوند، به همان میزان شاهد کاهش مشکلات و شکوفایی بیشتر جامعه خواهیم بود. در ایران شاهد از بین رفتن ریش‌سفیدی و میانجیگری در بین مردم از طریق مردم یا نهادهای مردم‌نهاد بوده و بنابراین حل اختلافات به وسیله روش‌های انتظامی و قضائی هستیم که این امر نشان‌دهنده‌ی از بین رفتن سرمایه‌ی اجتماعی قدیم در کشور است.

در بررسی و سنجش میزان سرمایه‌ی اجتماعی جوانان در ایران، به این نتیجه رسیدیم که سرمایه‌ی اجتماعی قدیم یا سنتی به تدریج رو به کاهش گذاشته و از سوی دیگر سرمایه‌ی اجتماعی جدید هنوز به اندازه کافی شکل نگرفته است. به عبارت دیگر در این زمینه شکافی در جامعه به وجود آمده است. به میزانی که سرمایه‌ی اجتماعی سنتی از بین می‌رود، باید سرمایه‌ی اجتماعی جدید شکل گیرد و جایگزین سرمایه‌ی اجتماعی قومی – قبیله‌ای و رسم و رسوم ریش‌سفیدی شود، در واقع سرمایه‌ی اجتماعی مدرن، حاصل تعامل اجتماعی گسترده در قالب روابط انجمنی است. همان‌طور که عنوان شد، در ایران با شکافی روبرو هستیم که ناشی از کمرنگ شدن سرمایه‌ی اجتماعی قدیم _ که کارکرد بسیار مثبتی در تعاملات اجتماعی داشته و دارد _ و جایگزین نشدن سرمایه‌ی اجتماعی جدید است.

جرج زیمل می‌گوید در کلان‌شهرها شهروندان در شهرها عملاً انبوه بیگانگان هستند که روابط انجمنی می‌تواند این انبوه بیگانگان را با یکدیگر آشنا و مرتبط سازد. در کشور ما هنوز روابط انجمنی شکل

نگرفته است و از این حیث به شدت نیازمند تقویت مشارکت نهادمند مردم هستیم. در همین رابطه یکی از کارهای خیلی خوبی که قوه قضاییه بانی آن بود، ایجاد شوراهای حل اختلاف بود که متأسفانه اجرای آن نسبتاً با شکست مواجه شده است. این یکی از بهترین کارهایی است که از مشارکت مردم برای حل دعاوی خودشان استفاده شود تا دعاوی به سرعت به راه‌های قضایی و انتظامی منتهی نشوند، اما متأسفانه روند حل اختلاف در این شوراها نیز چنان دچار بروکراسی شده است، که به اعتقاد برخی حتی مفصل‌تر و پیچیده‌تر از نظام بروکراسی قضایی شده است و بنابراین بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند به منظور جلوگیری از اتلاف وقت، به جای مراجعه به این شوراها، مستقیماً به دادسراها مراجعه کنند.

راهکارها:

در موضوع سنجش سرمایه‌ی اجتماعی به این نتایج رسیدیم که به طور کلی میانگین این سرمایه در ایران چندان بالا نیست، از سوی دیگر سرمایه‌ی اجتماعی قدیم نسبت به سرمایه‌ی اجتماعی جدید، گسترش قابل توجهی دارد که این امر می‌تواند مخاطره‌آمیز باشد. سوم این که رابطه‌ی تعامل و رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی قدیم و سرمایه‌ی اجتماعی جدید چندان مشخص و شفاف نیست، و چهارم این که ما با روند کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و فرسایش آن نیز مواجه هستیم. یک مثال عینی و عملیاتی که محل مناقشه هم نیست، این است که در حال حاضر اگر میزان مشارکت جوانان در مسائل اجتماعی را با میزان مشارکت آن‌ها در جنگ مقایسه کنیم، می‌بینیم که میزان اعتماد اجتماعی کاهش یافته است، همین طور اگر میزان آلوده شدن جوانان امروز به آسیب‌های اجتماعی را با همین روند در دهه‌ی ۶۰ و ایام جنگ مقایسه کنیم، متأسفانه شاهد ورود بیشتر جوانان به حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی هستیم.

جوانان این کشور، انقلاب و جنگ را مدیریت کردند، اما در حال حاضر این نگرانی وجود دارد که بخش قابل توجهی از جوانان به آسیب‌هایی دچار شده‌اند که تعداد زیادی از نهادها و مسئولان، درگیر مدیریت و کنترل این آسیب‌ها شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی جوانان به صورت بسیار جدی در معرض آسیب است.

پژوهش در یک افق کلی نشان می‌دهد علاوه بر این که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در میان جوانان پایین است متأسفانه حتی در سنین پیری و سالمندی نیز میزان سرمایه‌ی اجتماعی رو به کاهش است. تحلیل در حوزه‌ی جوانان نشان می‌دهد میزان مشارکت و دخالت جوانان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور کافی نبوده، بسیار ناچیز است. از سوی دیگر مشکلات اجتماعی به‌وجود آمده برای جوانان تأثیر مخربی روی اعتماد اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی آنان بر جای گذاشته است. از جمله‌ی این مشکلات می‌توان به مشکلات تحصیل، ازدواج، اشتغال، تأمین خانواده، و هنجارهای متغیر و به شدت در حال

تغییر جامعه _ که باعث می‌شود این هنجارها در جوانان درونی نشود _ اشاره کرد. طرح‌های مختلف مانند طرح ارتقای امنیت اجتماعی، طرح انضباط اجتماعی و... که هر یک هنجارهای جدیدی را برای جوانان تعریف می‌کنند، به لحاظ فرهنگی در جوانان درونی نمی‌شوند و این امر باعث می‌شود که جوانان نسبت به وضعیت موجود عکس‌العمل نشان دهند.

از آنجا که پژوهش انجام شده قابل تعمیم به روستاها و شهرهای کشور بوده، تکنیک‌های آماری قابل اعتمادی دارد، باید گفت جوانان ما در بعد اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی نیاز به یک توجه ملی دارند.

مفاهیم مختلف در این پژوهش در چند سطح مورد بررسی قرار گرفته‌اند: سطح خانواده، فامیل، آشنایان، همسایگان، همشهریان و هموطنان. نتایج نشان می‌دهد، هر چه روابط از سطح خانواده به سطح اجتماع نزدیکتر می‌شود، میزان سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر کاهش می‌یابد. این امر نشان‌دهنده و تأییدکننده‌ی میزان پایین سرمایه‌ی اجتماعی جدید و میزان بالای سرمایه‌ی اجتماعی قدیم به خصوص در روستاهای کشور است.

از دیگر یافته‌ها این بود که اعتماد جوانان به هم‌نسل‌های خود وقتی دایره‌ی آن‌ها گسترده‌تر می‌شود و به سطح اجتماعی نزدیک می‌شود، کاهش می‌یابد. این امر نشان‌دهنده‌ی یک آسیب جدی است، یعنی یک جوان ایرانی اعتماد کمی به جوان همشهری یا هموطن خود دارد. به طور کلی نسل‌های پیشین به نسل‌های پسین خود میدان نمی‌دهند و این جوانان امروز چندان جایگاهی در نهادهای تصمیم‌گیر کشور ندارند و نظراتشان هم به طور جدی ملاک و محل اعتبار نیست. البته حرف‌هایی زده می‌شود و وعده‌هایی داده می‌شود که یا عملی نمی‌شود یا این که این وعده‌ها یک شکل تخفیف‌یافته و تحقیرآمیز به خود می‌گیرند. مثل این که گفته می‌شود باید امکانات و وام‌هایی در اختیار جوانان گذاشته شود تا آن‌ها بتوانند به کارهای خود سر و سامان دهند و احساس ارزش کنند، در حالی که جوانان ما دنبال این نیستند که به آنها امکانات و وام و پول بدهند، جوانان ما به دنبال بازیابی جایگاه و هویت خود هستند، به طوری که احساس کنند در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کشور خود دخیل هستند و جامعه به آنها و نظراتشان توجه دارد.

بحرانی که همیشه با آن روبرو بوده‌ایم و در حال حاضر نیز به شدت گرفتار آن هستیم، این است که همیشه پیرها و سالمندان برای جوانان تصمیم گرفته‌اند. چه اشکال دارد روندی ایجاد شود که جوانان، با نگاه به تجارب پیران، برای خودشان تصمیم بگیرند، به عبارت دیگر این خود جوانان باشند که نوع نگاه و فرایند را برای جوانان ایجاد کنند، نه این که عده‌ای از سالمندان که نمی‌توانند متقاضیات جوانان روز را درک کنند، برای آن‌ها برنامه‌ریزی و مدیریت کنند.

بنابراین اگر در جامعه‌ی امروز گفته می‌شود که بحث هویت جدی است، درونی شدن هنجارهای رسمی در بین جوانان دچار اختلال است و جوانان سبک جدیدی از زندگی را مطالبه می‌کنند و... در پاسخ به این محدودیت‌هاست. حتی جوانان در واکنش به این محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها در طول مسیر به روش‌هایی رو می‌آورند که خودشان هم آن را قبول ندارند، ولی برای نشان دادن اعتراض خود به محدودیت‌ها و مشکلات موجود و برای این که اعلام کنند که این خود ما هستیم که برای خودمان تصمیم می‌گیریم، دست به این نوع کارها می‌زنند. به عبارت دیگر از آنجا که نمی‌خواهند هنجارهای تجویزی اجتماع را درونی کنند، گاهی اوقات هنجارهایی را که حتی خودشان نیز آن‌ها را قبول ندارند و می‌دانند که به نفعشان نیست، از خود جلوه می‌دهند.

در اینجا لازم است تأکید شود که سنجش و بررسی مداوم و سالانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و به‌خصوص سرمایه‌ی اجتماعی جوانان، بسیار ضروری است. با این کار کاستی‌ها و نقاط قوت مشخص می‌شود و بنابراین می‌توان برای کاهش کاستی‌ها و افزایش نقاط قوت برنامه‌ریزی کرد. اگر روی سرمایه‌ی اجتماعی کار جدی انجام نشود، در آینده مشکلات بیشتری را شاهد خواهیم بود.

سازمان‌های مختلف طبعاً کارها و فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد، اما چون محدودیت‌ها نا کارآمدهایی دارند نمی‌توانند در برابر انبوهی از اقداماتی که باید برای جوانان کشور انجام گیرد، کاری را پیش ببرند. برای حل مسائل جوانان باید در سطح کلان تمام نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر اقداماتی انجام شود، به گونه‌ای که اعتماد جوانان تا آن اندازه که خودشان وارد فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت امور جوانان شوند، جلب شود. در حال حاضر یک سازمان نمی‌تواند مسائل جوانان را مدیریت کند و باید خود جوانان هم وارد کار شوند و تمامی دستگاه‌های حکومتی در این زمینه همکاری نمایند. **تخصیص تنها یک سازمان برای نسل جوان کارساز نیست.**

پرسش و پاسخ:

آیا روند رو به کاهش سرمایه‌ی اجتماعی به فروپاشی اجتماعی منجر می‌شود؟

درباره لفظ فروپاشی باید احتیاط کرد، چرا که مفهوم آن بسیار غامض و سنگین است و به ندرت در یک جامعه اتفاق می‌افتد، اگر در یک جامعه فروپاشی اجتماعی رخ دهد، به این معنا است که آن جامعه تبدیل به یک جنگل تمام عیار شده و هیچ کس به دیگری رحم نمی‌کند، که تقریباً در هیچ جامعه‌ای این حالت را نداریم. در جامعه‌ی ما هم حد مناسبی از همبستگی وجود دارد، اما انتظار همگان از این جامعه با سوابق فرهنگی درخشان، بسیار بالاتر و بیش از وضعیت موجود است. فروپاشی آخرین مرحله‌ی ناشی از

تقلیل سرمایه‌ی اجتماعی است. هر چه این سرمایه بیشتر کاهش پیدا کند، همبستگی اجتماعی و تعادل اجتماعی بیشتر دچار مخاطره شده و جامعه آسیب پذیرتر می‌شود. اگر در جامعه‌ی امروز ایران با منظومه‌ای از آسیب‌ها روبه‌رو هستیم، این امر نشان‌دهنده‌ی پایین بودن سرمایه و اعتماد اجتماعی است. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که سرمایه و اعتماد اجتماعی رو به افزایش بگذارد، آسیب‌ها به همان میزان و حتی بیش از آن، رو به کاهش می‌روند.

اینک به برخی از یافته‌های پژوهش انجام شده با موضوع سنجش سرمایه‌ی اجتماعی (۱۳۸۶) اشاره می‌شود. این پژوهش در سال ۱۳۸۶ و توسط سرکار خانم دکتر شیان‌ی و آقایان دکتر محمد عبداللهی، دکتر پرویز پیران، دکتر سعید مدنی و اینجانب انجام شده است. در ماده‌ی ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه، "حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی" از وظایف دولت شمرده شده، مکلف می‌شود طی سال اول برنامه‌ی چهارم، اقدامات زیر را به انجام رساند: تهیه‌ی سازوکارهای سنجش و ارزیابی سرمایه‌ی اجتماعی، ارائه گزارش سالانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی کشور و احصا علل و عوامل تأثیرگذار بر آن و تسریع سازوکارهای لازم جهت افزایش سرمایه‌ی اجتماعی. لذا این پژوهش در این راستا و در پاسخ به پرسش‌های ۱- وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در ایران چگونه است؟ و ۲- برای گذار از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب چه فرایندی را باید طی کرد؟ و با اهداف ۱- ساخت ابزار مناسب جهت سنجش سرمایه اجتماعی، ۲- بررسی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در مراکز استان‌ها، ۳- شناخت مؤلفه‌های وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در سطح کشور و ۴- شناخت عوامل اثرگذار بر وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی انجام می‌شود. جامعه‌ی آماری آن را ساکنین ۱۵ سال به بالای خانواده‌های ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۸۵ تشکیل می‌دادند که تعداد ۱۲۰۰۰ نفر در سطح کشور به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفتند.

در ادامه تعدادی از جداول مربوط به یافته‌های پژوهشی جهت بهره برداری پژوهشگران ارائه می‌شود.

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد بر حسب همکاری با نهادهای مدنی

ردیف	گروه‌ها و نهادهای مدنی	گزینه‌ها		آماره	
		ندارد	دارد	میانہ	نما
۱	انجمن اولیاء و مربیان	۷۹/۴	۲۰/۶	۱	۱
۲	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها، جلسات قرآن و...)	۶۱/۲	۳۸/۸	۱	۱
۳	گروه‌های ورزشی	۷۶/۰	۲۴/۰	۱	۱
۴	گروه‌های خیریه (حمایت از نیازمندان و...)	۷۱/۳	۲۸/۷	۱	۱
۵	گروه‌های صنفی (تجار، کارگران و...)	۹۳/۴	۶/۶	۱	۱
۶	گروه‌های قومی	۹۵/۲	۴/۸	۱	۱
۷	گروه‌های سیاسی (احزاب و...)	۹۷/۹	۲/۱	۱	۱
۸	بسیج (محلی، دانشجویی، دانش‌آموزی و...)	۷۷/۷	۲۲/۳	۱	۱
۹	شوراها (شهر، محله و...)	۹۶/۴	۳/۶	۱	۱
۱۰	گروه‌های علمی (انجمن فیزیک، ریاضی و...)	۹۳/۲	۶/۸	۱	۱

جدول ۲- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان همکاری با نهادهای مدنی

ردیف	میزان همکاری با نهادهای مدنی	گزینه‌ها			آماره
		کم	متوسط	زیاد	
۱	فرد	۵۵/۲	۳۳/۰	۱۱/۸	۱/۵۸

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد بر حسب همکاری با نهادهای مدنی

ردیف	عضویت در نهادهای مدنی	گزینه‌ها		آماره	
		ندارد	دارد	میانہ	نما
۱	گروه‌ها و نهادها	۹۰/۵	۹/۵	۱	۱
۲	انجمن اولیاء و مربیان	۷۷/۷	۲۲/۳	۱	۱
۳	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها، جلسات قرآن و...)	۸۱/۷	۱۸/۳	۱	۱
۴	گروه‌های ورزشی	۸۸/۱	۱۱/۹	۱	۱
۵	گروه‌های خیریه (حمایت از نیازمندان و...)	۹۵/۷	۴/۳	۱	۱
۶	گروه‌های صنفی (تجار، کارگران و...)	۹۷/۲	۲/۸	۱	۱
۷	گروه‌های قومی	۹۸/۷	۱/۳	۱	۱
۸	گروه‌های سیاسی (احزاب و...)	۸۰/۳	۱۹/۷	۱	۱
۹	بسیج (محلی، دانشجویی، دانش‌آموزی و...)	۹۸/۰	۲/۰	۱	۱
۱۰	شوراها (شهر، محله و...)	۹۴/۹	۵/۱	۱	۱
	گروه‌های علمی (انجمن فیزیک، ریاضی و...)				

جدول ۴- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان عضویت در نهادهای مدنی

ردیف	میزان عضویت در نهادهای مدنی	گزینه‌ها			آماره
		کم	متوسط	زیاد	
۱	فرد	۴۹/۲	۳۸/۸	۱۲/۰	۰/۹۷

جدول ۵- توزیع فراوانی افراد بر حسب حضور در برنامه‌ها و جلسات نهادهای مدنی

ردیف	گروه‌ها و نهادها	حضور در برنامه‌ها و جلسات		گزینه‌ها		آماره	
		دارد	ندارد	دارد	ندارد	میان	نما
۱	انجمن اولیاء و مربیان	۲۵/۰	۷۵/۰	۲	۲	۲	۲
۲	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها، جلسات قرآن و...)	۱۸/۷	۸۱/۳	۲	۲	۲	۲
۳	گروه‌های ورزشی	۲۲/۴	۷۷/۶	۲	۲	۲	۲
۴	گروه‌های خیریه (حمایت از نیازمندان و...)	۸۱/۲	۱۸/۸	۱	۱	۱	۱
۵	گروه‌های صنفی (تجار، کارگران و...)	۴۸/۲	۵۱/۸	۲	۲	۲	۲
۶	گروه‌های قومی	۴۳/۴	۵۶/۶	۲	۲	۲	۲
۷	گروه‌های سیاسی (احزاب و...)	۳۸/۱	۶۱/۹	۲	۲	۲	۲
۸	بسیج (محلی، دانشجویی، دانش‌آموزی و...)	۱۹/۵	۸۰/۵	۲	۲	۲	۲
۹	شوراها (شهر، محله و...)	۴۴/۱	۵۵/۹	۲	۲	۲	۲
۱۰	گروه‌های علمی (انجمن فیزیک، ریاضی و...)	۳۷/۰	۶۳/۰	۲	۲	۲	۲

جدول ۶- توزیع فراوانی افراد بر حسب کمک فکری به نهادهای مدنی

ردیف	گروه‌ها و نهادها	کمک فکری به نهادهای مدنی		گزینه‌ها		آماره	
		دارد	ندارد	دارد	ندارد	میان	نما
۱	انجمن اولیاء و مربیان	۷۹/۸	۲۰/۲	۱	۱	۱	۱
۲	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها، جلسات قرآن و...)	۸۱/۹	۱۸/۱	۱	۱	۱	۱
۳	گروه‌های ورزشی	۸۵/۸	۱۴/۲	۱	۱	۱	۱
۴	گروه‌های خیریه (حمایت از نیازمندان و...)	۹۰/۱	۹/۹	۱	۱	۱	۱
۵	گروه‌های صنفی (تجار، کارگران و...)	۷۳/۹	۲۶/۱	۱	۱	۱	۱
۶	گروه‌های قومی	۵۵/۵	۴۴/۵	۱	۱	۱	۱
۷	گروه‌های سیاسی (احزاب و...)	۷۴/۰	۲۶/۰	۱	۱	۱	۱
۸	بسیج (محلی، دانشجویی، دانش‌آموزی و...)	۷۸/۶	۲۱/۴	۱	۱	۱	۱
۹	شوراها (شهر، محله و...)	۶۸/۷	۳۱/۳	۱	۱	۱	۱
۱۰	گروه‌های علمی (انجمن فیزیک، ریاضی و...)	۵۷/۵	۴۲/۵	۱	۱	۱	۱

جدول ۷- توزیع فراوانی افراد بر حسب کمک مالی به نهادهای مدنی

ردیف	گروه‌ها و نهادها	گزینه‌ها		آماره	
		ندارد	دارد	میانہ	نما
۱	انجمن اولیاء و مربیان	۷۲/۲	۲۷/۸	۱	۱
۲	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها، جلسات قرآن و...)	۷۷/۷	۲۲/۳	۱	۱
۳	گروه‌های ورزشی	۸۸/۱	۱۱/۹	۱	۱
۴	گروه‌های خیریه (حمایت از نیازمندان و...)	۲۰/۱	۷۹/۹	۲	۲
۵	گروه‌های صنفی (تجار، کارگران و...)	۷۸/۷	۲۱/۳	۱	۱
۶	گروه‌های قومی	۷۰/۹	۲۹/۱	۱	۱
۷	گروه‌های سیاسی (احزاب و...)	۹۱/۰	۹/۰	۱	۱
۸	بسیج (محلی، دانشجویی، دانش‌آموزی و...)	۹۲/۰	۸/۰	۱	۱
۹	شوراها (شهر، محله و...)	۸۸/۳	۱۱/۷	۱	۱
۱۰	گروه‌های علمی (انجمن فیزیک، ریاضی و...)	۹۲/۵	۷/۵	۱	۱

جدول ۸- توزیع فراوانی افراد بر حسب پذیرش مسئولیت اجرایی در نهادهای مدنی

ردیف	گروه‌ها و نهادها	گزینه‌ها		مسئولیت اجرایی	
		ندارد	دارد	میانہ	نما
۱	انجمن اولیاء و مربیان	۹۰/۹	۹/۱	۱	۱
۲	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها، جلسات قرآن و...)	۸۷/۱	۱۲/۹	۱	۱
۳	گروه‌های ورزشی	۸۲/۴	۱۷/۶	۱	۱
۴	گروه‌های خیریه (حمایت از نیازمندان و...)	۹۵/۰	۵/۰	۱	۱
۵	گروه‌های صنفی (تجار، کارگران و...)	۷۴/۹	۲۵/۱	۱	۱
۶	گروه‌های قومی	۹۰/۴	۹/۶	۱	۱
۷	گروه‌های سیاسی (احزاب و...)	۸۰/۷	۱۹/۳	۱	۱
۸	بسیج (محلی، دانشجویی، دانش‌آموزی و...)	۷۹/۵	۲۰/۵	۱	۱
۹	شوراها (شهر، محله و...)	۷۹/۹	۲۰/۱	۱	۱
۱۰	گروه‌های علمی (انجمن فیزیک، ریاضی و...)	۷۸/۷	۲۱/۳	۱	۱

جدول ۹- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان روابط انجمنی

ردیف	میزان روابط انجمنی	گزینه‌ها			آماره
		کم	متوسط	زیاد	
۱	فرد	۴۸/۰	۲۹/۰	۲۳/۰	۱۰۰

جدول ۱۰- توزیع فراوانی افراد بر حسب اعتماد به سازمان‌ها، مؤسسات و نهادها

ردیف	میزان اعتماد سازمان‌ها، مؤسسات و نهادها	گزینه‌ها							آماره
		اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	کاملاً	میانگین	میانه	
۱	بانک‌ها	۵/۱	۱۴/۷	۱۷/۶	۴۴/۳	۱۸/۳	۳/۵۶	۴	۴
۲	بیمارستان‌ها و مراکز درمانی	۳/۸	۱۶/۹	۲۲/۰	۴۱/۹	۱۵/۵	۳/۴۸	۴	۴
۳	دولت	۷/۵	۲۱/۶	۲۳/۳	۳۴/۶	۱۳/۱	۳/۲۴	۴	۳
۴	مجلس شورای اسلامی یا قوه مقننه	۸/۳	۲۳	۲۵/۴	۳۱/۷	۱۱/۶	۳/۱۵	۴	۴
۵	صدا و سیما	۵/۷	۲۲/۱	۲۷/۶	۳۴/۶	۹/۹	۳/۲۱	۴	۴
۶	دادگستری یا قوه قضائیه	۸/۷	۲۲/۳	۲۵/۷	۳۲/۵	۱۰/۸	۳/۱۴	۴	۳
۷	نیروی انتظامی	۷/۸	۱۹/۶	۲۱/۷	۳۷/۴	۱۳/۵	۳/۲۹	۴	۴
۸	شورای نگهبان	۸/۸	۲۱/۶	۲۵/۶	۳۲/۰	۱۲/۰	۳/۱۷	۴	۳
۹	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۰/۹	۲۱/۴	۲۵/۶	۳۰/۰	۱۲/۱	۳/۱۱	۴	۳
۱۰	بسیج	۸/۸	۱۸/۵	۲۲/۸	۳۵/۷	۱۴/۲	۳/۲۸	۴	۳
۱۱	سپاه پاسداران	۸/۲	۱۸/۰	۲۳/۰	۳۶/۲	۱۴/۷	۳/۳۱	۴	۳
۱۲	ارتش	۵/۵	۱۴/۸	۲۱/۵	۴۰/۶	۱۷/۵	۳/۵۰	۳	۴
۱۳	شهرداری	۱۱/۵	۲۹/۷	۲۷/۴	۲۴/۲	۷/۱	۲/۸۶	۲	۳
۱۴	مطبوعات و روزنامه‌نگاران	۷/۶	۲۹/۳	۳۱/۰	۲۵/۳	۶/۹	۲/۹۵	۳	۳
۱۵	احزاب سیاسی	۱۸/۴	۳۲/۸	۲۶/۰	۱۷/۴	۵/۴	۲/۵۹	۲	۳
۱۶	حوزه‌های علمیه	۹/۳	۱۸/۷	۲۳/۷	۳۳/۹	۱۴/۴	۳/۲۵	۴	۳
۱۷	مؤسسات خیریه	۴/۶	۱۵/۵	۲۲/۵	۴۰/۱	۱۷/۳	۳/۵۰	۴	۴
۱۸	سازمان‌های غیروابسته به دولت	۸/۱	۲۵/۷	۳۰/۹	۲۶/۹	۸/۴	۳/۰۲	۳	۳
۱۹	شوراها (شهر و محلی)	۹/۷	۲۷/۶	۳۰/۴	۲۵/۳	۷/۰	۲/۹۲	۳	۳

جدول ۱۱- توزیع فراوانی افراد بر حسب اعتماد به گروه‌های اجتماعی

ردیف	میزان اعتماد	گزینه‌ها						آماره	
		اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	کاملاً	میانگین	میانه	نما
۱	قضات	۱۴/۶	۲۱/۸	۲۵/۰	۲۴/۷	۱۳/۹	۳/۰۱	۳	۳
۲	کارمندان اداری	۱۰/۳	۳۰/۸	۲۹/۴	۲۰/۲	۹/۲	۲/۸۷	۳	۲
۳	مسئولین و مدیران اداری	۱۲/۲	۳۰/۷	۲۸/۳	۱۹/۹	۸/۹	۲/۸۳	۳	۲
۴	نظامیان	۱۰/۱	۲۰/۰	۲۴/۴	۳۰/۹	۱۴/۷	۳/۲۰	۳	۴
۵	نمایندگان مجلس	۱۳/۴	۲۳/۷	۲۶/۴	۲۴/۶	۱۲/۰	۲/۹۸	۳	۳
۶	روحانیون	۱۱/۶	۱۸/۶	۲۳/۲	۳۰/۲	۱۶/۵	۳/۲۱	۳	۴
۷	پرستاران و پزشکان	۳/۵	۱۲/۶	۲۰/۴	۴۰/۷	۲۲/۸	۳/۶۷	۴	۴
۸	کسبه	۱۲/۷	۳۶/۷	۲۷/۹	۱۵/۷	۶/۹	۲/۶۷	۳	۲
۹	تجار و بازاریان	۱۹/۲	۳۹/۵	۲۶/۰	۱۰/۶	۴/۷	۲/۴۲	۳	۲
۱۰	بنگاه‌داران (مسکن، ماشین و...)	۳۳/۶	۳۴/۲	۱۹/۹	۸/۲	۴/۱	۲/۱۵	۲	۲
۱۱	کارگران	۶/۵	۲۰/۴	۲۶/۴	۳۱/۷	۱۵/۰	۳/۲۸	۳	۴
۱۲	رانندگان تاکسی	۱۱/۵	۲۸/۷	۲۹/۱	۲۱/۳	۹/۴	۲/۸۸	۳	۳
۱۳	زائران و نمازگزاران در مساجد و اماکن مقدس	۴/۷	۱۴/۸	۲۶/۵	۳۶/۰	۱۷/۹	۳/۴۸	۴	۴
۱۴	مهندسان و صاحبان مشاغل فنی حرفه‌ای	۷/۸	۲۴/۴	۳۳/۳	۲۴/۶	۹/۸	۳/۰۴	۳	۳
۱۵	فعالان سیاسی	۲۱/۱	۳۱/۰	۲۶/۱	۱۴/۴	۷/۴	۲/۵۶	۲	۲
۱۶	معلمان	۲/۹	۸/۴	۱۶/۵	۴۴/۹	۲۷/۳	۳/۸۵	۴	۴
۱۷	هنرمندان	۵/۰	۱۵/۵	۲۵/۹	۳۵/۱	۱۸/۵	۳/۴۷	۴	۴
۱۸	اساتید دانشگاه	۴/۸	۱۱/۱	۲۱/۸	۳۹/۸	۲۲/۶	۳/۶۴	۴	۴
۱۹	ورزشکاران	۴/۹	۱۶/۳	۲۷/۵	۳۳/۹	۱۷/۴	۳/۴۳	۴	۴
۲۰	خبرنگاران و روزنامه‌نگاران	۸/۴	۲۳/۱	۳۱/۲	۲۵/۷	۱۱/۶	۳/۰۹	۳	۳
۲۱	دانشجویان	۵/۷	۱۶/۲	۲۹/۳	۳۳/۰	۱۵/۸	۳/۳۷	۳	۴

جدول ۱۲- توزیع فراوانی افراد بر حسب رتبه‌بندی اعتماد به سازمان‌ها، مؤسسات، نهادها و گروه‌های اجتماعی

ردیف	میانگین اعتماد	گروه های اجتماعی	ردیف	میانگین اعتماد	سازمانها،مؤسسات و نهادها
۱	۳/۸۵	معلمان	۱	۳/۵۶	بانک‌ها
۲	۳/۶۷	پرستاران و پزشکان	۲	۳/۵۰	ارتش
۳	۳/۶۴	اساتید دانشگاه	۳	۳/۵۰	مؤسسات خیریه
۴	۳/۴۸	زائران و نمازگزاران در مساجد و اماکن مقدس	۴	۳/۴۸	بیمارستان‌ها و مراکز درمانی
۵	۳/۴۷	هنرمندان	۵	۳/۳۱	سپاه پاسداران
۶	۳/۴۳	ورزشکاران	۶	۳/۲۹	نیروی انتظامی
۷	۳/۳۷	دانشجویان	۷	۳/۲۸	بسیج
۸	۳/۲۸	کارگران	۸	۳/۲۵	حوزه‌های علمیه
۹	۳/۲۱	روحانیون	۹	۳/۲۴	دولت
۱۰	۳/۲۰	نظامیان	۱۰	۳/۲۱	صدا و سیما
۱۱	۳/۰۹	خبرنگاران و روزنامه‌نگاران	۱۱	۳/۱۷	شورای نگهبان
۱۲	۳/۰۴	مهندسان و صاحبان مشاغل فنی حرفه‌ای	۱۲	۳/۱۵	مجلس شورای اسلامی یا قوه مقننه
۱۳	۳/۰۱	قضات	۱۳	۳/۱۴	دادگستری یا قوه قضائیه
۱۴	۲/۹۸	نمایندگان مجلس	۱۴	۳/۱۱	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۵	۲/۸۸	رانندگان تاکسی	۱۵	۳/۰۲	سازمان‌های غیروابسته به دولت
۱۶	۲/۸۷	کارمندان اداری	۱۶	۲/۹۵	مطبوعات و روزنامه‌نگاران
۱۷	۲/۸۳	مسئولین و مدیران اداری	۱۷	۲/۹۲	شوراها (محلی، شهر)
۱۸	۲/۶۷	کسبه	۱۸	۲/۸۶	شهرداری
۱۹	۲/۴۲	تجار و بازاریان	۱۹	۲/۵۹	احزاب سیاسی
۲۰	۲/۱۵	بنگاه‌داران	۲۰	۲/۵۶	فعالان سیاسی

جدول ۱۳- توزیع فراوانی افراد بر حسب ارزیابی از وضعیت جامعه

ردیف	وضعیت جامعه	ارزیابی						آماره
		بسیار بد	بد	متوسط	خوب	بسیار خوب	میانگین	
۱	وضعیت فرهنگی نظیر عملکرد نهادهای آموزشی، دینی و...	۵/۱	۱۴/۰	۲۶/۳	۴۸/۶	۵/۹	۳/۳۶	۴
۲	وضعیت اجتماعی نظیر روابط بین مردم، همبستگی، آسیب‌های اجتماعی و...	۵/۰	۱۸/۴	۲۸/۰	۴۳/۷	۵/۰	۳/۲۵	۴
۳	وضعیت سیاسی نظیر فعالیت احزاب، امنیت و...	۷/۰	۲۰/۲	۲۷/۲	۳۹/۹	۵/۷	۳/۱۷	۴
۴	وضعیت اقتصادی نظیر کار و اشتغال، امنیت اقتصادی و...	۲۹/۲	۳۵/۴	۱۸/۶	۱۵/۰	۱/۷	۲/۲۵	۲
۵	وضعیت زیست- محیطی نظیر فضای سبز، سر و صدا و شلوغی و...	۱۰/۱	۲۷/۰	۲۵/۴	۳۳/۸	۳/۷	۲/۹۴	۳

جدول ۱۴- توزیع فراوانی افراد بر حسب اطمینان از رعایت اخلاق شهروندی

ردیف	اخلاق شهروندی	اطمینان از رعایت						آماره
		اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	کاملاً	میانگین	
۱	برخورداری از حق آزادی، عقیده و بیان	۱۱/۸	۳۱/۵	۲۵/۵	۲۴/۲	۶/۹	۲/۸۳	۲
۲	برخورداری از حق آزادی عقاید و برگزاری مراسم مذهبی	۲/۱	۹/۳	۱۰/۴	۴۲/۱	۳۶/۰	۴/۰	۴
۳	برخورداری از حق انتقاد از مسئولان و مدیران	۱۵/۹	۳۵/۸	۲۰/۴	۲۰/۲	۷/۶	۲/۶۸	۲
۴	برخورداری از حق احترام به آبرو و حیثیت افراد	۶/۳	۲۶/۰	۲۶/۵	۳۲/۸	۴/۸	۳/۱۱	۴
۵	برخورداری از حق تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی جامعه	۲۱/۸	۳۸/۷	۲۰/۵	۱۵/۰	۴/۰	۲/۴۱	۲
۶	برخورداری از حق تأثیرگذاری بر بهبود وضع دولت و سازمان‌های دولتی	۲۲/۷	۳۷/۸	۲۰/۷	۱۵/۰	۳/۹	۲/۴۰	۲
۷	برخورداری از حق رأی و تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات	۹/۴	۲۱/۰	۱۸/۵	۳۵/۴	۱۵/۷	۳/۲۷	۴

جدول ۱۵- توزیع فراوانی افراد بر حسب اطمینان از رعایت ارزش‌های اخلاقی در جامعه

آماره			گزینه‌ها					اطمینان از رعایت ارزش‌های اخلاقی	ردیف
نما	میانہ	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۲	۲	۲/۳۵	۳/۳	۱۲/۰	۲۰/۵	۴۴/۹	۱۹/۵	۱ راستگویی و پرهیز از دروغ‌گویی	
۲	۳	۲/۷۷	۵/۱	۲۳/۳	۲۵/۱	۳۶/۴	۱۰/۰	۲ امانت‌داری و حفظ اسرار و اموال دیگران	
۲	۳	۲/۹۱	۶/۲	۳۰/۲	۲۲/۳	۳۰/۷	۱۰/۶	۳ گذشت، فداکاری، عفو و بخشش	
۲	۳	۲/۴۹	۳/۵	۱۶/۳	۲۲/۷	۴۰/۰	۱۷/۴	۴ انصاف و رعایت عدالت	
۲	۲	۲/۴۰	۳/۱	۱۳/۸	۲۱/۳	۴۳/۹	۱۸/۰	۵ درستکاری و پرهیز از تقلب	
۲	۲	۲/۶۵	۵/۰	۲۰/۰	۲۳/۴	۳۷/۸	۱۳/۷	۶ صراحت‌در بیان و شجاعت در حقیقت‌گویی	

جدول ۱۶- توزیع فراوانی افراد بر حسب احساس تعلق به دیگران

آماره			گزینه‌ها					احساس تعلق افراد و گروه‌ها	ردیف
نما	میانہ	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۵	۵	۴/۵۸	۶۶/۶	۲۸/۰	۲/۹	۲/۰	۰/۵	۱ اعضای خانواده	
۴	۴	۳/۹۳	۳۳/۳	۴۰/۸	۱۲/۹	۱۱/۱	۱/۸	۲ فامیل و خویشاوندان	
۴	۴	۳/۷۳	۲۱/۸	۴۵/۵	۱۸/۰	۱۳/۲	۱/۶	۳ دوستان	
۲	۳	۲/۹۹	۹/۲	۲۶/۴	۲۵/۶	۳۱/۹	۶/۹	۴ همسایگان	
۴	۳	۳/۲۲	۹/۷	۳۴/۰	۲۸/۵	۲۳/۹	۳/۹	۵ همکاران (شاغلین)	
۲	۲	۲/۶۵	۴/۷	۱۷/۸	۲۶/۶	۴۰/۰	۱۰/۹	۶ اهالی محله	
۲	۳	۲/۷۵	۵/۵	۱۹/۹	۲۸/۱	۳۷/۱	۹/۵	۷ افراد هم‌قوم و هم‌مذهب	
۲	۳	۲/۷۱	۵/۶	۱۸/۵	۲۸/۴	۳۷/۰	۱۰/۶	۸ همشهری‌ها	
۲	۳	۲/۷۸	۷/۵	۱۸/۹	۲۸/۴	۳۴/۷	۱۰/۵	۹ مردم (ایرانیان)	

جدول ۱۷- توزیع فراوانی افراد بر حسب اعتماد به دیگران

آماره			گزینه‌ها					اعتماد	ردیف
نما	میان	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۵	۵	۴/۶۰	۶۷/۸	۲۷/۴	۲/۸	۱/۵	۰/۵	اعضای خانواده	
۴	۴	۳/۷۵	۲۸/۴	۳۷/۳	۱۷/۵	۱۳/۸	۲/۹	فامیل و خویشاوندان	
۴	۴	۳/۵۱	۱۷/۱	۳۹/۳	۲۳/۶	۱۶/۹	۳/۰	دوستان	
۳	۳	۲/۹۶	۷/۸	۲۵/۶	۲۹/۶	۲۹/۰	۸/۰	همسایگان	
۳	۳	۳/۱۷	۹/۱	۳۰/۹	۳۲/۶	۲۲/۷	۴/۷	همکاران (شاغلین)	
۲	۳	۲/۶۳	۴/۱	۱۶/۷	۲۹/۵	۳۷/۶	۱۲/۱	اهالی محله	
۲	۲	۲/۶۱	۴/۱	۱۵/۴	۳۰/۲	۳۸/۱	۱۲/۱	افراد هم‌قوم و هم‌مذهب	
۲	۲	۲/۵۶	۳/۹	۱۳/۸	۳۰/۶	۳۸/۶	۱۳/۲	همشهری‌ها	
۲	۲	۲/۵۹	۴/۵	۱۴/۰	۳۱/۰	۳۶/۹	۱۳/۶	مردم (ایرانیان)	

جدول ۱۸- توزیع فراوانی افراد بر حسب مشارکت داوطلبانه برای رفع مشکلات دیگران

آماره			گزینه‌ها					مشارکت داوطلبانه برای رفع مشکلات	ردیف
نما	میان	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۵	۵	۴/۵۵	۶۴/۴	۲۸/۸	۴/۵	۱/۹	۰/۴	اعضای خانواده	
۵	۴	۴/۱۳	۴۰/۷	۳۹/۹	۱۱/۹	۶/۲	۱/۳	فامیل و خویشاوندان	
۴	۴	۳/۹	۲۸/۲	۴۵/۰	۱۶/۵	۸/۹	۱/۴	دوستان	
۴	۴	۳/۵۲	۱۸/۸	۳۷/۰	۲۴	۱۷/۲	۳	همسایگان	
۴	۴	۳/۶۲	۲۰/۳	۳۸/۵	۲۵/۷	۱۳/۴	۲/۱	همکاران (شاغلین)	
۴	۳	۳/۲۰	۱۳/۷	۲۸/۵	۲۷/۰	۲۵/۵	۵/۳	اهالی محله	
۴	۳	۳/۱۸	۱۳/۶	۲۷/۷	۲۷/۵	۲۵/۹	۵/۴	افراد هم‌قوم و هم‌مذهب	
۳	۳	۳/۱۴	۱۳/۱	۲۶/۶	۲۸/۰	۲۶/۱	۶/۲	همشهری‌ها	
۳	۳	۳/۱۸	۱۴/۷	۲۶/۴	۲۷/۷	۲۴/۸	۶/۴	مردم (ایرانیان)	

جدول ۱۹- توزیع فراوانی افراد بر حسب مشارکت در فعالیت های جمعی دیگران

آماره			گزینه‌ها					مشارکت در فعالیت‌های جمعی دیگران	ردیف
نما	میانه	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۴	۴	۳/۵۳	۲۶/۵	۲۹/۷	۲۰/۱	۱۷/۵	۶/۲	اعضای خانواده	۱
۴	۳	۳/۳۸	۱۶/۹	۳۱/۸	۲۷/۷	۱۹/۲	۴/۳	فامیل و خویشاوندان	۲
۳	۳	۲/۷۹	۷/۸	۲۱/۳	۲۷/۱	۲۹/۶	۱۴/۱	دوستان	۳
۲	۲	۲/۳۲	۴/۳	۱۱/۴	۲۲/۵	۳۶/۰	۲۵/۸	همسایگان	۴
۲	۲	۲/۴۱	۴/۰	۱۳/۴	۲۵/۴	۳۴/۰	۲۳/۲	همکاران (شاغلین)	۵
۲	۲	۲/۰۴	۳/۱	۶/۷	۱۷/۲	۳۷/۰	۳۶/۰	اهالی محله	۶
۲	۲	۱/۹۵	۲/۷	۶/۵	۱۵/۲	۳۴/۲	۴۱/۵	افراد هم‌قوم و هم‌مذهب	۷
۲	۲	۱/۸۸	۲/۶	۵/۹	۱۳/۷	۳۲/۷	۴۵/۱	همشهری‌ها	۸
۲	۲	۱/۸۴	۲/۷	۶/۰	۱۲/۵	۳۰/۰	۴۸/۸	مردم (ایرانیان)	۹

جدول ۲۰- توزیع فراوانی افراد بر حسب پذیرش اجتماعی دیگران

آماره			گزینه‌ها						پذیرش اجتماعی	ردیف
نما	میانه	میانگین	پذیرش به عنوان همسر، عروس و داماد	پذیرش به عنوان دوست	پذیرش به عنوان شریک	پذیرش به عنوان همسایه	پذیرش به عنوان همکار	عدم پذیرش		
۵	۵	۴/۳۳	۲۶/۹	۳۳/۸	۲/۵	۲۳/۵	۸/۷	۴/۷	افراد غیرهم‌قوم	۱
۵	۴	۳/۹۳	۱۶/۵	۳۱/۹	۳/۷	۳۰/۹	۹/۶	۷/۳	افراد غیرهم‌زبان	۲
۳	۳	۳/۲۱	۵/۱	۲۵/۹	۳/۰	۳۴/۰	۱۴/۶	۱۷/۳	افراد غیرهم‌مذهب	۳

جدول ۲۱- توزیع فراوانی افراد بر حسب انسجام بین قومی

آماره			گزینه‌ها						ردیف	انسجام بین قومی	افراد و گروه‌ها
نما	میانه	میانگین	پذیرش به عنوان همسر، عروس و داماد	پذیرش به عنوان دوست	پذیرش به عنوان شریک	پذیرش به عنوان همسایه	پذیرش به عنوان همکار	عدم پذیرش			
۵	۵	۴/۲۱	۲۸/۲	۲۹/۲	۲/۵	۲۳/۸	۸/۲	۸/۱	۱	آذری	
۳	۳	۳/۳۹	۹/۳	۲۶/۲	۳/۷	۳۲/۸	۱۱/۱	۱۶/۹	۲	بلوچ	
۳	۳	۳/۴۴	۹/۶	۲۶/۵	۴/۰	۳۳/۶	۱۱/۱	۱۵/۲	۳	ترکمن	
۳	۳	۳/۳۷	۱۰/۲	۲۴/۴	۴/۲	۳۲/۰	۱۱/۶	۱۷/۶	۴	عرب	
۶	۵	۴/۸۷	۴۷/۳	۲۶/۹	۳/۰	۱۴/۲	۵/۸	۲/۷	۵	فارس	
۵	۴	۳/۹۰	۱۹/۸	۲۹/۴	۳/۴	۲۷/۵	۸/۴	۱۱/۶	۶	کرد	
۳	۳	۳/۷۱	۱۵/۳	۲۷/۸	۴/۰	۳۰/۴	۹/۸	۱۲/۶	۷	لر	
۵	۳	۳/۷۵	۱۶/۱	۲۹/۰	۳/۹	۲۸/۷	۹/۴	۱۲/۹	۸	گیلک	

جدول ۲۲- توزیع فراوانی افراد بر حسب مدارای قومی و دینی- مذهبی

آماره			گزینه‌ها					مدارای قومی و دینی- مذهبی	ردیف	افراد و گروه‌ها
نما	میانه	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً			
۱	۳	۲/۷۰	۱۰/۳	۲۲/۳	۱۸/۷	۲۴/۱	۲۴/۶	۱	پیروان دین‌ها و مذاهب دیگر	
۴	۴	۳/۲۰	۱۵/۹	۳۴/۵	۱۷/۰	۱۹/۲	۱۳/۵	۲	اقوام دیگر (ترک، لر و...)	

جدول ۲۳- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان سرمایه‌ی اجتماعی

آماره			گزینه‌ها			میزان سرمایه‌ی اجتماعی	ردیف
نما	میانه	میانگین	زیاد	متوسط	کم		
	۱۰۰	۱۰۰/۶۴	۲۶/۸	۳۴/۶	۳۸/۶	فرد	۱

جدول ۲۴- توزیع مراکز استان‌ها برحسب رتبه‌ی سطح توسعه‌یافتگی و رتبه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

رتبه سرمایه‌ی اجتماعی	رتبه سطح توسعه	میانگین سرمایه‌ی اجتماعی	مراکز استان‌ها	رتبه	رتبه سرمایه‌ی اجتماعی	رتبه سطح توسعه	میانگین سرمایه‌ی اجتماعی	مراکز استان‌ها	رتبه
۷	۲۲	۱۰۲/۳۸	زنجان	۱۶	۱۳	۷	۱۰۱/۶۵	اراک	۱
۱۲	۹	۱۰۱/۹۰	ساری	۱۷	۳	۹	۱۰۳/۵۲	اردبیل	۲
۱۸	۱۹	۱۰۰/۱۹	سمنان	۱۸	۹	۱۶	۱۰۲/۲۴	ارومیه	۳
۲۳	۲۳	۹۹/۴۲	سنندج	۱۹	۲۹	۲	۹۷/۸۴	اصفهان	۴
۶	۲۱	۱۰۲/۷۳	شهرکرد	۲۰	۲	۷	۱۰۴/۱۵	اهواز	۵
۱۹	۱۰	۱۰۱/۱۹	شیراز	۲۱	۴	۲۴	۱۰۳/۰۳	ایلام	۶
۱۵	۸	۱۰۱/۱۴	قزوین	۲۲	۱۴	۱۱	۱۰۱/۵۲	بجنورد	۷
۲۱	۱۵	۹۹/۵۷	قم	۲۳	۱۰	۱۸	۱۰۱/۹۸	بندرعباس	۸
۱۹	۱۱	۱۰۰/۰۶	کرمان	۲۴	۲۲	۱۷	۹۹/۴۵	بوشهر	۹
۱۷	۱۴	۱۰۰/۲۴	کرمانشاه	۲۵	۸	۱۱	۱۰۲/۳۳	بیرجند	۱۰
۱۱	۹	۱۰۱/۹۵	گرگان	۲۶	۲۸	۱۶	۹۸/۱۵	تبریز	۱۱
۲۷	۱۱	۹۸/۳۵	مشهد	۲۷	۲۵	۱	۹۸/۵۹	تهران	۱۲
۱۶	۱۶	۱۰۰/۵۳	همدان	۲۸	۲۴	۱۸	۹۹/۲۲	خرم‌آباد	۱۳
۵	۲۰	۱۰۲/۷۵	یاسوج	۲۹	۲۰	۹	۹۹/۶۴	رشت	۱۴
۲۶	۶	۹۸/۵۴	یزد	۳۰	۱	۲۰	۱۰۵/۳۸	زاهدان	۱۵

جدول ۲۵- توزیع فراوانی افراد بر حسب احساس شادی

آماره		گزینه‌ها						احساس شادی	ردیف
نما	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً			
۴	۳	۳/۲۴	۱۱/۵	۳۲/۱	۳۰/۲	۲۱/۸	۴/۵	فرد	۱

جدول ۲۶- توزیع فراوانی افراد بر حسب احساس موفقیت

آماره			گزینه‌ها					احساس موفقیت	ردیف
نما	میانه	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۴	۳	۳/۲۵	۱۰/۳	۳۲/۷	۳۲/۶	۲۰/۵	۳/۸	فرد	۱

جدول ۲۷- توزیع فراوانی افراد بر حسب احساس سلامت

آماره			گزینه‌ها					احساس سلامت	ردیف
نما	میانه	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۴	۴	۳/۷۱	۲۲/۵	۴۴/۵	۱۶/۹	۱۳/۷	۲/۳	فرد	۱

جدول ۲۸- توزیع فراوانی افراد بر حسب احساس رضایت از زندگی

آماره			گزینه‌ها					احساس رضایت از زندگی	ردیف
نما	میانه	میانگین	کاملاً	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً		
۴	۴	۳/۶۱	۲۰/۵	۳۹/۷	۲۳/۹	۱۲/۱	۳/۹	فرد	۱

جدول ۲۹- توزیع فراوانی افراد بر حسب شرکت در انتخابات

آماره			گزینه‌ها		شرکت	انتخابات	ردیف
نما	میانه	میانگین	بلی	خیر			
۲	۲	۱/۹۳	۸۸/۱	۱۱/۹	آخرین انتخابات ریاست جمهوری	۱	
۲	۲	۱/۸۲	۷۲/۹	۲۷/۱	آخرین انتخابات مجلس شورای اسلامی	۲	
۲	۲	۱/۷۷	۶۵/۰	۳۵/۰	آخرین انتخابات شورای شهر	۳	
۲	۲	۱/۷۴	۵۷/۰	۴۳/۰	آخرین انتخابات مجلس خبرگان	۴	

جدول ۳۰- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان شرکت در انتخابات

آماره	گزینه‌ها			میزان شرکت در انتخابات	ردیف
میانگین	زیاد	متوسط	کم		
۲/۶۱	۵۸/۵	۱۲/۳	۲۹/۲	فرد	۱